

## مصدق و جوانان و دانشجویان

(۱)

### جوانان و دانشجویان مبارز:

سپاس بی کران به شما فرزندان غیور مصدق بزرگ:

دفتر شناخت نهضت ملی و راه مصدق را با پیامی از او به جوانان و دانشجویان در ۲۲ خرداد سال ۱۳۳۰ می‌گشاییم. مصدق در این پیام در رابطه با «تبلیغات زهر آگین شرکت سابق نفت انگلیس و ایران و ایادی آن در سراسر جهان و به خصوص در آمریکا» شکوه نزد جوانان و دانشجویان برده است. اکنون پس از بالغ بر ۵۳ سال که از تاریخ آن پیام می‌گذرد عجا که در این روزهای تلخ تر از زهر که شما دانشجویان و جوانان تلخی آن را بیش از همه در ایران درک میکنید نوع دیگری از همان تبلیغات زهر آگین در آمریکا و سراسر جهان از جانب ایادی همان کشور انگلستان بر علیه مصدق و راه او در حال شکل گرفتن است (نگاه کنید به قسمت دوم مقاله شناخت نهضت ملی و راه مصدق). ایادی سیاست استعماری انگلیس قصد دارند شما را که تاکنون دست از شعار «مصدق فروهر راهت ادامه دارد» بر نداشته اید و پیروی از راه مصدق را برای رهائی خود و میهن ستم‌دیده خود برگزیده اید از این تکیه‌گاه و پناهگاه مستحکم جدا سازند. بیدار باشید که «آزادی و استقلال ایران» تنها به وسیله ستیز با استعمار از راه و رسم مصدق میسر است.

محمد حسینی - ۱۵ خردادماه ۱۳۸۳ برابر با ۴ جئن ۲۰۰۴

## پیام مصدق به جوانان و دانشجویان

۲۲ خرداد ۱۳۳۰

فرزندان عزیزم؛

دروغ قلبی به شما می‌فرستم و از خدای متعال مسألت دارم همگان با کامیابی و سربلندی از علوم و فنون آن دیار مترفه، بهره‌ای کافی بستانید و به سلامت و سعادت به میهن مقدس برگردید و مصدر خدمات شایان شوید و حق کشور و ملت ایران را که به گردن شما فرزندان خلف است ادا نمایید.

چون در اکثر نقاط کشورهای عظیم متحده آمریکا و سایر ممالک پراکنده هستید و با آن ملت‌های دوست و بزرگ تماس و ارتباط دائمی دارید به علاوه مراسلاتی از بعضی شما راجع به نفت و مربوط به سوءتفاهمات در آن دیار به من رسیده لازم دانستم شما را از مقاصد ملت ایران در باب ملی شدن صنایع نفت مطلع گردانم تا شما هم به نوبه خود افراد ملت عدالتخواه و حق پرست آن ممالک را آگاه سازید و به هرکه رسیدید و در هر محفلی حاضر شدید این مقاصد را شرح دهید تا اگر اشخاصی در نتیجه بیخبری یا شاید در نتیجه اغفال عمال مغرض دچار سوء تفاهم شده‌اند از حقیقت مطلع شوند زیرا اطلاع صحیح ملل مترفه و دوستی آنها برای ما بسیار مهم و مغتنم است.

شرکت نفت انگلیس و ایران از یک امتیازی که در ۱۹۰۱ از طرف یک پادشاه بیخبر مطلق العنان به یک فرد استرالیایی موسوم به دارسی اعطاء شده بود بوجود آمد در آن موقع نه شاه میدانست نفت چه گوهر گرانبهاییست و چه اهمیت حیاتی برای آینده خواهد داشت و چه مقدار آن زیر خاک ایران پنهانست و نه خود دارسی. موقعی که پس از چند سال تفحص و استکشاف فواره چاههای نفت بالا زد و از آن طرف به تدریج سوخت موتورهای کنشیهای عظیم جدید از زغال به نفت مبدل شد و نفت در موقع صلح و جنگ در ردیف مواد حیاتی عالم متمدن قرار گرفت، شرکت نفت با آخرین وسایط فنی به استخراج و بهره‌برداری دامنه‌داری مبادرت نمود و هر سال میلیونها تن نفت از معادن ما استخراج و صادر کرد و از میلیونها لیره عایدات سالانه مبالغ ناچیزی به ما یعنی صاحبان واقعی نفت داد و چون قرارداد دارسی در پایان شصت سال از تاریخ عقد قرارداد یعنی ده سال بعد از این خاتمه می‌یافت و صنعت نفت با کلیه تأسیسات و ماشین آلات به موجب همان قرارداد متعلق به ملت ایران می‌گشت حریف زیرک زبردست با انواع حیل و تدابیر مقدمات تجدید قرارداد را مهیا ساخت و در ۱۹۳۳ به دست خود ما ولی در باطن در اثر زور و فشار قرارداد جدید بوجود آورد که ۳۲ سال هم بر مدت قرارداد سابق افزود تا بتواند گذشته از استفاده عظیم از خود نفت و مشتقات آن برای بحره انگلیس و رفع احتیاجات گوناگون ارتفاع سرشار سهامداران انگلیس را برای مدت طولانی دیگر تمدید و تأمین کند و در مقابل میلیونها لیره نفع سالانه ملت ایران را با پرداخت مبلغ ناچیزی سرگرم نگه دارد و ثروت سرشار کشور ما به خارج برود و بیگانگان در اثر آن به راحت و رفاه زندگی کنند و ۱۸ میلیون ملت ایران مالک حقیقی آن ثروت در این عصر عدالت و دوره منشور ملل در نهایت پریشانی و در وضع نگفتنی در آتش فقر بسوزند و حتی از ساده‌ترین شرایط زندگی محروم شوند و هر سال صدها هزار افراد ایرانی در نتیجه فقر و بدبختی بمیرند و دولت ایران نتواند نقشه‌های اصلاحات - بهداشت - فرهنگ - و توسعه اقتصادی و کشاورزی را در مملکت فراهم سازد. ما بسوزیم تا دیگران خوش باشند. ما بمیریم تا دیگران زندگی کنند.

وطن پرستان ایران مصیبت بزرگ را از دیرباز میدیدند و در محافل ملی و مجالس مقننه و در مطبوعات به زبان می‌آوردند ولی فایده‌ای نمی‌بخشید. جنگ دوم عالم خراب کن که منتهی به ایجاد ملل متحد شد به امید ملت ایران افزود اما افسوس موضوع نفت مانند سابق بماند. فقط به مناسبت اهمیت بیشتری که نفت در عالم کسب کرد و استخراج فزونتری که به عمل آوردند، منافع کمپانی نفت به مراتب بیشتر شد در صورتی که ایران همان طور در آتش فقر میسوزت. بعد از جنگ به جای این که شرکت نفت به تقاضاهای مکرر و مشروع ما ترتیب اثر دهد، مقاومت و سختگیری به کار برد و از طرف دیگر دولت‌های دیگر به مطالبه امتیازات برخاستند و روسیه شوروی در حالی که شمال ایران را عملاً در زیر اشغال نظامی داشت امتیاز نفت کلیه شمال ایران را با اصرار و تهدید خواستار شد.

ملت ایران در نتیجه این فشارها از طرفی فقر و فلاکت کشور از طرف دیگر به حفظ حقوق خود برخاست و نمایندگان مجلس ملی از حق ایران دفاع کردند و قانونی به پیشنهاد این جانب در یازدهم آذرماه ۱۳۲۳ (۲۲ دسامبر ۱۹۴۴) از تصویب مجلس گذشت که دادن هرگونه امتیاز نفت به بیگانگان را ممنوع ساخت و در ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ (۲۲ اکتبر ۱۹۴۷) یعنی در دوره پانزدهم تقنینیه قانون دیگری از طرف نمایندگان بر طبق پیشنهاد جناب آقای دکتر رضازاده شفق به تصویب رسید که تقاضای امتیاز شرکت نفت شوروی را رد کرد و دادن هرگونه امتیاز را به خارجیا یک بار دیگر ممنوع ساخت و دولت را مأمور استیفاء حقوق ایران از شرکت نفت انگلیس و ایران ساخت.

بعد از تصویب این قانون و ایستادگی ملت ایران در مقابل تهدید و فشار روسیه شوروی بار دیگر نمایندگان ملت و نویسندگان و رجال جمعاً گفتند وقت آن رسیده است که شرکت نفت انگلیس و ایران حقوق حقه ملت ایران را منظور دارد ولی به گوش آن شرکت نفت و اخطارهای مکرر رهبران ملی موثر واقع نگردید تا این که در تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ و نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ (مارس و آوریل ۱۹۵۱) قوانین ملی شدن صنایع نفت و اجرای آن از طرف ملیون طرح و بعد از مباحثه لازم به اتفاق آراء از تصویب مجلسین گذشت.

تصویب این قانون روی دو اصل ذیل بعمل آمد:

۱. حدود پنجاه سالست یک شرکت خارجی امتیاز منابع نفت جنوب ایران را داشته و مبالغ سرشار منافع از آن برده است و الآن وقت آن رسیده است خود ملت ایران که صاحب آن معادن است و در نهایت فقر و مسکنت زندگی میکند آن منافع را ببرد تا بتواند اوضاع معیشت مردم را بهبود بخشد و کشور را از خطر انقلاب و زبر و رو شدن نجات دهد.

۲. ملی شدن صنایع نفت از حقوقی مسلم حاکمیت ملی است و هیچ قراردادی حقاً یا باطلاً نمی تواند این حق اساسی را از بین ببرد و ملت ایران تصمیم دارد از حقوق مسلم خویش استفاده کند.

بعد از تصویب این قانون شایعاتی زیاد و اخبار تحریک آمیز در مطبوعات و رادیوهای خارجی حتی در مطبوعات آمریکا به راه افتاد که گویا ملت ایران میخواهد اموال و تأسیسات شرکت سابق را به عنف غصب نماید و با اینکه کار استخراج نفت را بخواهند ... از این قبیل شایعات بی اساس زیاد بروز کرد و هنوز هم بروز میکند ولی حقیقت امر این است که کلیه آنها دروغ است و طرز عمل و نیت ملت و دولت ایران به واسطه توضیحات و مصاحبه های رسمی رئیس دولت و شخص رئیس هیأت مختلط و اشخاص ذی صلاحیت و مراسلات رسمی با شرکت سابق بر وجه مشروح بیان و عیان شده است و اینک یک بار دیگر به شما جوانان کشور میگویم که آگاه باشید و دیگران را هم آگاه کنید:

**الف** - ملی شدن صنایع نفت حق قطعی ملت ایرانست و یک امر حیاتی است که هیچ کس نمیتواند آن را انکار کند.

**ب** - ملت و دولت ایران به هیچ وجه قصد غصب یا مصادره غیرقانونی اموال و متعلقات و تأسیسات شرکت سابق را ندارند و به موجب قانون ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ (۳۰ آوریل ۱۹۵۱) باید به حسابهای شرکت سابق رسیدگی شود و هرنوع دعوای حقه شرکت سابق مورد توجه قرار بگیرد و احقاق حق آن بشود.

**ج** - دولت ایران در توسعه استخراج نفت حد اعلای کوشش را خواهد کرد و برای این منظور از موسسات و کارمندان و کارشناسان شرکت سابق استفاده خواهد نمود. حتی تا تعیین اساسنامه جدید از مقررات شرکت سابق به استثنای آنچه با قانون ملی شدن صنایع نفت منافات داشته باشد، پیروی خواهد نمود و ابداً عملی نخواهد کرد که تشکیلات سابق بهم خورد و محدودیتهای فنی بوجود آید و در استخراج نفت کسر و نقصانی پیدا شود.

**د** - کلیه نفت اخراج شده به استثنای مصرف داخلی کمافی السابق در اختیار خریداران سابق نفت گذاشته خواهد شد و مصرف دولت و ملت انگلیس که دوست و متفق ما ست کمافی السابق تأمین خواهد شد.

**ه** - دولت ایران برای عملی کردن این مقاصد حاضر بوده است که بر طبق قوانین فوق الاشعار با اولیای شرکت نفت وارد مذاکره بشود و در راه حل هر نوع مشکلات بکوشد و آنچه در عهده دارد برای حل مسالمت آمیز قضیه که آرزوی تمام ملل به خصوص مورد توصیه خاص حضرت رئیس جمهوری ممالک متحده آمریکا است سعی و همکاری نماید.

بنابراین چنانچه ملاحظه میکنید هیچ یک از مطالبی که مبنای تبلیغات زهرآگین شرکت سابق نفت انگلیس و ایران و ایادی آن در سراسر جهان و بخصوص در آمریکا میباشد حقیقت نداشته است. نهضتی ظرف سه سال اخیر در کشور ما بوجود آمد و در نتیجه آن قرارداد الحاقی که مبالغ نافیلی به منافع ایران می افزود رد گردید. سپس در اثر سرسختی و لجاج شرکت سابق نفت در قبول قرارداد منصفانه و دنیاپسند، ملت ایران به منظور قطع ایادی این شرکت، که چنانچه میدانید تمام ناراحتی های اجتماعی و اقتصادی ما زائیده تحریکات و نیرنگ ها و مداخلات مستقیم ایادی آن بوده است، با استفاده از حق حاکمیت ملی، صنایع نفت را ملی اعلام نمود تا در نتیجه ضمن راندن آن شرکت از ایران و قطع ایادی آن تمام عواید حاصله از این منبع سرشار که به جای ۱۵ میلیون لیره بالغ بر ۱۲۰ میلیون لیره یعنی اقلاً هشت برابر خواهد گردید، به ملت ایران اختصاص یابد و با استفاده از آن رفع بدبختی و فلاکت فعلی ملت ستمدیده ایران بشود.

البته با اجرای این اصل علاوه بر قطع نفوذ خانمان براندازی که مانع پیشرفت ملت ایران بوده است سرمایه داران و دولت انگلیس از عواید سرشاری که من بعد به صاحب اصلی آن یعنی ملت ایران خواهد رسید محروم میگردد و دولت انگلیس نیز از خرید نفت مصرفی دربارداری و هواپیمایی خود بثمان بخش باز می ماند محرومیت های مذکور که با جلوگیری از یغمای ثروت این کشور برای خارجیان ایجاد خواهد گردید در حقیقت محرک و موجب اصلی انتشار این همه اکاذیب و تبلیغات ناروا است و بر شما فرزندان این آب و خاک است که با استفاده از جمیع وسائلی که در دست دارید، مردم آزاده آن سامان را از حقایق امر مطلع ساخته و وظیفه خطیر ملی خود را در این موقع دشوار ایران، به نفع کشور باستانی خود و بر اساس حق و حقیقت انجام دهید.

با این توضیحات پیام خود را به پایان میرسانم و شما جوانان دانشجو و علاقه مند به میهن عزیز را به خدا میسپارم.

**پایان**

برگرفته از فصلنامه وزین آزادی وابسته به جبهه دمکراتیک ملی ایران (دوره دوم، شماره ۲۷ و ۲۸ تابستان و پائیز ۱۳۸۰)